



کریستین هانا

در دل طوفان

مترجم: مریم مهدوی



سرشناسه: هانا، کریستین، ۱۹۶۰- م.
Hannah, Kristin, ۱۹۶۰-

عنوان و نام پدیدآورنده: در دل طوفان / کریستین هانا؛ مترجم مریم مهدوی؛ دبیرترجمه الهام سادات یاسینی؛ ویراستار سیما سرشار.

مشخصات نشر: قم: کتابستان معرفت، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۴۶۰ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۸۰۸-۱۶-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: The four winds, 2021

موضوع: داستان های آمریکایی -- قرن ۲۰ م.

موضوع: American fiction -- 20th century

شناسه افزوده: مهدوی، مریم، ۱۳۶۷-، مترجم

شناسه افزوده: یاسینی، الهام السادات، ۱۳۶۷-

رده بندی کنگره: PS۳۵۷۲

رده بندی دیویی: ۸۱۳/۵۴

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۱۰۲۴۴



عنوان: در دل طوفان

ناشر: کتابستان معرفت

نویسنده: کریستین هانا

دبیر ترجمه: الهام سادات یاسینی

مترجم: مریم مهدوی

ویراستار: سیما سرشار

طراح جلد و صفحه‌آرا: حامد عطائی فرزانه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۸۰۸-۱۶-۲

چاپ: اول ۱۴۰۱

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: بوستان کتاب

کتابستان تهران: خیابان انقلاب، خیابان لبافی‌نژاد، بین منیری جاوید و ۱۲ فروردین، پلاک ۱۹۱

تلفن: ۶۶۹۶۲۹۵۹ - ۶۶۹۶۲۹۶۰

کتابستان قم: خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه چهارم، پلاک ۴۲۵

تلفن: ۰۲۵-۳۱۰۷۴ / همراه: ۰۹۱۲۶۳۶۶۹۶۲

پایگاه اینترنتی: www.Ketabestan.net

اینستاگرام: Ketabestan.ir

حقوق چاپ و نشر برای انتشارات کتابستان معرفت محفوظ است.

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.

فهرست

۷	مقدمه
۹	۱۹۲۱
۱۰	یک
۲۰	دو
۳۰	سه
۴۰	چهار
۵۲	پنج
۶۳	۱۹۳۴
۶۴	شش
۸۰	هفت
۹۱	هشت
۱۰۳	نُه
۱۱۸	ده
۱۳۴	یازده
۱۴۲	دوازده
۱۵۵	سیزده
۱۶۳	چهارده
۱۷۳	پانزده
۱۸۱	شانزده
۲۰۰	۱۹۳۵
۲۰۱	هفده
۲۱۳	هجده

۲۲۵.....	نوزده
۲۳۹.....	بیست
۲۵۴.....	بیست و یک
۲۶۸.....	بیست و دو
۲۸۱.....	بیست و سه
۲۹۴.....	۱۹۳۶
۲۹۵.....	بیست و چهار
۳۰۷.....	بیست و پنج
۳۱۷.....	بیست و شش
۳۲۹.....	بیست و هفت
۳۴۴.....	بیست و هشت
۳۶۵.....	بیست و نه
۳۸۰.....	سی
۳۹۰.....	سی و یک
۴۰۳.....	سی و دو
۴۱۵.....	سی و سه
۴۲۶.....	سی و چهار
۴۳۴.....	سی و پنج
۴۴۸.....	سی و شش
۴۵۴.....	سخن آخر
۴۵۸.....	یادداشت نویسنده
۴۶۰.....	درباره نویسنده

مقدمه

امید سکه‌ایه که همیشه همراهمه؛ سکهٔ یه پنی^۱ که از کسی که خیلی برام عزیزه، گرفتمش. توی سفرم به اینجا، یه وقت‌هایی احساس می‌کردم این سکه و امیدی که با خودش داره، تنها چیزهایی‌ان که باعث می‌شن به مسیرم ادامه بدم.

من اومدم غرب... دنبال یه زندگی بهتر... ولی فقر و سختی و طمع، رؤیای آمریکایی من رو به کابوس تبدیل کرد. توی این سال‌ها خیلی چیزها از دست رفتن؛ شغل، خونه، غذا.

سرزمینی که دوستش داشتیم، به ما پشت کرد و همه مون رو به خاک سیاه نشوند؛ حتی پیرمردهای یه دنده‌ای رو که همیشه از آب و هوا حرف می‌زدن و فصل برکت گندم‌ها رو به هم تبریک می‌گفتن و تکیه کلامشون این بود: مرد واسه نون درآوردن باید بجنگه. مردها... .

تا بوده حرف از مردها بوده. خیال می‌کنن آشپزی و نظافت و حاملگی و مراقبت از گل و گیاه کار گمیه. ولی ما زن‌های دشت بزرگ^۲ هم، پابه پای مردها، از صبح تا غروب کار می‌کردیم. این قدر توی مزارع گندم زحمت می‌کشیدیم که خشکی و گرما از پا درمون می‌آورد؛ همون جور که سرزمینی رو که دوستش داشتیم، از پا درآورد. قسم می‌خورم بعضی وقت‌ها که چشم‌هام رو می‌بندم، می‌تونم هنوز مزهٔ خاک رو توی دهنم حس کنم... .

۱. Penny: در زبان عامیانه در آمریکا، همان سنت است؛ پول خرد معادل یک صدم دلار م.
۲. The Great Plains: منطقهٔ وسیع همواری در آمریکای شمالی و کانادا که شغل بیشتر ساکنان آن، کشاورزی و دامداری است. م.